

**The role of non-state actors in Iraq's public policy as a model
with a view to Iran**

Sabah Meriz Al-Boamiyya¹

Mohammad Reza Aqrab Parast^{*2}

Majid Mohi Abdul Abbas Al Fatlawi³

Bahram Montazeri⁴

Received: 13 September 2023

Reception: 21 September 2023

Abstract

After the political changes witnessed by Iraq, especially after ۲۰۰۳, the concept of civil society or non-governmental actors received an unprecedented reflection in the institutions of Iraqi society and all mediators of that society, and the role of non-governmental actors in Iraqi society is one of two important things. Originated: Changes at the international level have decentralized the state and opened the door for Iraqi society to express its demands through non-state organizations and actors that have become rivals to the state, yet distant. . About its authoritarianism. Another aspect is the entry of new elites who want to play a role in the economic, political, social and cultural process under the control of the state after being deprived, excluded and marginalized for a long time in all aspects of the political process. The role of those actors who adhered to the element of initiative has become to play an important role in deepening the work of the state in creating rules for these non-state actors and activating them based on reconciliation with the state and not eliminating them, because the concept of the state is It does not mean the authority of the ruler. These informal institutions are the point of contact between the political system and its official institutions and between the society by trying to transfer the demands of the society to the political system.

Keywords:Iran's model, Iraqi policy making, non-governmental actions, Playing a role, public policy making

¹ Ph.D. student, Department of Public Policy, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

² Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. (Responsible author)

³ Professor, Department of Political Science, Babol University, Babol, Iraq.

⁴ Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran.

10.30510/pssci.2024.480504.1086

نقش بازیگران غیر دولتی در سیاست گذاری عمومی عراق به عنوان الگو با نگاهی به ایران

صبح مرز البوعمیه^۱

تاریخ دریافت: ۲۲/۰۶/۱۴۰۲

محمد رضا اقارب پرست^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۳۰/۰۶/۱۴۰۲

ماجد محی عبدالعباس الفتلاوی^۳بهرام منتظری^۴

چکیده

پس از تحولات سیاسی که عراق شاهد آن بود، به ویژه پس از سال ۲۰۰۳، مفهوم جامعه مدنی یا کنشگران غیردولتی بازتاب بی سابقه ای در نهادهای جامعه عراق و همه میانجی های آن جامعه دریافت کرد و نقش بازیگران غیردولتی در جامعه عراق از دو چیز مهم سرچشمه گرفت: تغییرات در سطح بین المللی، تمرکز دولت را از بین برد و درها را برای جامعه عراق باز کرد تا خواسته های خود را از طریق غیردولتی بیان کند سازمان ها و بازیگرانی که به رقیب دولت تبدیل شده اند و در عین حال دور هستند. در مورد اقتدارگرایی آن. جنبه دیگر ورود نخبگان جدیدی است که خواستار ایفای نقش در روند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحت کنترل دولت پس از محرومیت، طرد و به حاشیه رانده شدن طولانی مدت در همه جنبه های فرآیند سیاسی هستند. نقش آن دسته از بازیگرانی که به عنصر ابتکار عمل پایبند بودند، تبدیل شده است تا نقش مهمی در تعمیق کار دولت در ایجاد قوانین برای این بازیگران غیردولتی و فعال سازی آنها بر اساس آشتی با دولت و عدم حذف آنها داشته باشند، زیرا مفهوم دولت به هیچ وجه به معنای اقتدار حاکم نیست این نهادهای غیررسمی، نقطه تماس بین نظام سیاسی و نهادهای رسمی آن و بین جامعه با تلاش برای انتقال مطالبات جامعه به نظام سیاسی هستند.

کلمات کلیدی: اقدامات غیردولتی، ایفای نقش، الگو ایران، سیاست گذاری عراق، سیاست گذاری عمومی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه سیاستگذاری عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Sth-1980@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. (نویسنده مسئول) aghareb@iaush.ac.ir

^۳ استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه بابل، بابل، عراق. Majedmo1970hi1970@gmail.com

^۴ استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. Bmontazeri12@yahoo.com

۱- عناصر مطالعه

۱-۱- اهمیت موضوع:

اهمیت این پژوهش با نقش بازیگران غیردولتی و توانایی آنها در سیاست گذاری عمومی برای دولت آغاز می شود و همچنین نشان می دهد که چگونه نقش آنها در دستیابی به خواسته های نمایندگان یا وابستگان خود به گونه ای ظاهر می شود که آزادی و دموکراسی را برای فرد تضمین کند.

۱-۲- مشکل

مشکل زیر را می توان مطرح کرد:

نقش بازیگران غیردولتی در تدوین سیاست کلی دولت در پرتو تحولات سیاسی که عراق پس از سال ۲۰۰۳ شاهد آن بود، چیست؟
دو سوال نیز تحت این مشکل قرار می گیرند:

۱. بازیگران غیردولتی تا چه حد می توانند دخالت کنند و در تدوین سیاست های عمومی دولت مشارکت کنند.
۲. آیا تغییر سیاسی که پس از سال ۲۰۰۳ عراق را فرا گرفت، منجر به تشدید نقش این بازیگران در نهادهای رسمی شد؟

۱-۳- برنامه های درسی و رویکردهای مطالعه:

روش مطالعه موردی: از این رویکرد استفاده شده است، زیرا مبتنی بر جمع آوری داده های مربوط به یک پدیده است، به منظور مرتبط تر کردن مطالعه با واقعیت و برخاسته از آن، سپس پیوند آن با واقعیت سیاست های عمومی در عراق و تبیین نقش فعال آن سازمان های مردم نهاد در سیاست گذاری عمومی، زیرا استفاده از رویکرد مطالعه موردی برای جمع آوری اطلاعات و داده های دقیق مرتبط با این عوامل ضروری بود در تأثیرگذاری بر سیاست گذاری عمومی در عراق..

۲- اهداف مطالعه

- ۱- نشان دادن نقش بازیگران غیردولتی در تدوین سیاست کلی دولت.
- ۲- تبیین اهمیت این عوامل در بعد سیاسی.
- ۳- معرفی این عوامل، ارتباط، جهت گیری و روش کار آنها.
- ۴- بیان موانعی که کار و حرکات آن را محدود می کند.

۳- مطالعات قبلی

- ۱- "سیاست عمومی نهادهای جامعه مدنی: عراق به عنوان یک الگو" پایان نامه کارشناسی ارشد دانشجو سارا ابراهیم حسین در سال ۱۳۹۱.
- ۲- نقش سازمان های غیردولتی بین المللی در حمایت از روند گذار دموکراتیک در تونس ۲۰۱۶-۲۰۱۱ تهیه شده توسط مصعب چنین.
- ۳- نهادهای جامعه مدنی و ساخت و ساز سیاسی در عراق: مجله مطالعات مقدماتی، شماره (۳۱-۳۲)، دسامبر ۲۰۰۶، بغداد، مرکز مطالعات بین المللی، دانشگاه بغداد، تهیه شده توسط نبیل محمد سلیم.
- ۴- دیالکتیک رابطه میان دموکراسی: شهروندی و جامعه مدنی، عراق به مثابه الگو، مجله علوم سیاسی، شماره (۳۲) فوریه ۲۰۰۶، دانشگاه بغداد، تهیه شده توسط امل هنیدی.

۴- اولین نیاز

۴-۱- بعد تاریخی مفهوم سیاست گذاری عمومی

از زمان های بسیار قدیم، علاقه به مسائل جوامع و نحوه سازماندهی آنها نشان دهنده توجه زیادی است که فیلسوفان و متفکران سیاسی به آن توجه می کردند و علاقه به این امر تا اواسط قرن نوزدهم افزایش یافت، زمانی که دانشگاه های اروپا سیاست و حکمرانی را به عنوان شاخه ای از فلسفه تدریس می کردند. محدود به مطالعه خود سیاست بود و به سیاست عمومی توجه نمی کرد زیرا هنوز در چارچوب فلسفی است، اما پس از آن علوم سیاسی شروع به تبلور کرد و به شاخه ای از علوم اجتماعی تبدیل شد. به دنبال استقلال از فلسفه اخلاق. او حمایت علمی دریافت کرده است. این امر به این دلیل است که سیاست به بخشی از فعالیت اجتماعی و روانی جامعه و پدیده اجتماعی تبدیل شد و پس از آن دوره پس از جنگ جهانی دوم شاهد تحولی در علوم سیاسی به طور عام و سیاست گذاری عمومی به طور خاص بود. پس از گسستی که انقلاب رفتاری با روش سنتی گرفت و علم سیاست را پس از اینکه علم قدرت، دولت یا اقتدار بود، دوباره تعریف کرد، با رفتارگرایان به علم تخصیص اقتدارگرای ارزشها تبدیل شد. بدین ترتیب، جهت گیری رفتاری جدید علوم سیاسی مدرن و همچنین تمرکز آشکار بر محتوا و محتوای خط مشی گذاری عمومی از طریق تحلیل تأثیر نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به طور خاص، علاوه بر ارزیابی نتایج و تأثیرات سیاست گذاری عمومی بر جامعه، پدیدار شد. علاقه به موضوع سیاست گذاری عمومی پس از جنگ جهانی دوم افزایش یافت و تمرکز بر مفهوم آن، چگونگی تبلور آن و بینش اهداف، محتوا و حتی روش های اجرای آن در یک چارچوب تحلیلی بود. این امر نتیجه نقش

روزافزون دولت و لزوم دخالت آن در فعالیت های اقتصادی برای بازسازی اقتصاد ملی است، از این رو گاه به مرجع مسلط و هماهنگ کننده برای همه کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است که باعث شده برخی از اندیشمندان بگویند این دوره عصر مداخله دولت است. در دهه پنجاه قرن بیستم، علوم سیاسی معنای اصطلاحی خود را از نظر علمی توسط دانشمندان علوم سیاسی به دست آورد. «LASSWELL HARLODS "هارود لازویل" او در کتاب خود "چه کسی؟ چه چیزی را می فهمد؟ کی؟ و چگونه؟" فرآیندهای متقابل و توزیعی ارزش ها و منافع دخیل در تدوین و اجرای سیاست های عمومی و لاسول می گوید که روند روشنی در علوم اجتماعی وجود دارد که از مرزهای تخصصی آن علوم مختلف فراتر می رود. این روند دوگانه است، در چهره اول علاقه و تمرکز بر نیازهای فرایند سیاست گذاری اطلاعات وجود دارد و بر سیاست گذاری و اجرا تمرکز دارد و چهره دوم که به توسعه محتوای اطلاعات و تفسیر آن به سیاست گذاران می پردازد. این خارج از قلمرو علوم سیاسی است"، هدف لاسویل تلاش برای استانداردسازی داده های علوم اجتماعی به عنوان مبنایی برای علم سیاست گذاری، یعنی استفاده از ابزارهای تحقیقات اجتماعی برای مطالعه ابزارهای تدوین و اجرای سیاست های عمومی است

۴-۲- مفهوم سیاست گذاری عمومی

تعیین اینکه هر اصطلاح یا مفهومی در هر زمینه ای در علوم اجتماعی چیست، معضل عمده ای است که پژوهشگران حوزه علوم سیاسی از آن رنج می برند، از آنجایی که این رشته از منظر علمی و تجربی به تازگی در حال ظهور است، تلاش بسیاری از اندیشمندان و سیاستمداران در تعریف مفهوم سیاست گذاری عمومی و روشن شدن عناصر و ویژگی های مختلف آن ترکیب شده است. و این را می توان در ادامه ارائه کرد. زیرفصل اول: تعریف مفهوم سیاست گذاری عمومی: مفهوم سیاست گذاری عمومی از نظر عدم وجود تعریف واحد از آن با بسیاری از مفاهیم دیگر در علوم اجتماعی تفاوتی ندارد، زیرا یکی از محققان حدود چهل تعریف از این مفهوم را زیر نظر داشت. محققان سیاست گذاری عمومی و جامعه شناسان نیز مفهوم سیاست گذاری عمومی را به مسائل امور عمومی جامعه و حوزه های آنها پیوند دادند که با خواسته ها و مسائل و همچنین تفاوتی که فیلم آن را می بیند بازنمایی می شود. **Reall Public** دیدگاه های آنها در مورد تعریف حوزه عمومی، فعالیت ها عمومی می شوند، جایی که نتایج ایجاد می کنند.

سیاست گذاری عمومی از منظر اعمال زور: "Power" سیاست از نظر این جریان به معنای قدرتی است که فرد برای تأثیرگذاری بر افراد، گروه ها و تصمیمات به گونه ای دارد که او را از دیگران متمایز کند، در نتیجه در اختیار داشتن یک یا چند منبع شناخته شده قدرت مانند اجبار، پول، موقعیت، تجربه شخصی و تیمی از دانشمندان علوم سیاسی سعی کردند معنای قدرت را از طریق کنترل و انحصار وسایل آن روشن کنند. ماکس وبر که توسط "آستین رنی" تعریف شده است: "رابطه وابستگی و اطاعت از یک سو و اقتدار و کنترل از سوی دیگر"، آن را از زاویه تحت تأثیر دیگران تعریف کرد. خط مشی گذاری عمومی از منظر تحلیل سیستم ها: "Analy System" بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی نظام را به طور کلی به عنوان مجموعه ای از اجزاء توصیف کرده اند که بین آنها الگویی از روابط متقابل در چارچوب آن وحدت کامل شکل می گیرد و بر این اساس صاحبان این گرایش مانند «دیوید استون» به سیاست گذاری عمومی توجه می کنند، یعنی از منظر تحلیل نظام ها به عنوان یک نتیجه و نتیجه در زندگی جامعه از نقطه نظر صحیح آنها تعامل با محیط جامعه که در آن نهادها، بنیادها و رفتارها منشأ پدیده سیاسی هستند که نظام سیاسی با آن سروکار دارد، و آن را اینگونه تعریف می کند: "توزیع ارزش ها (نیازهای مادی و اخلاقی) در جامعه به شیوه ای اقتدارگرا و آمره از طریق تصمیمات و فعالیت های اجباری توزیع شده برای آن ارزش ها در چارچوب یک فرایند تعاملی بین ورودی ها، خروجی ها و بازخورد.

سیاست گذاری عمومی از منظر دولت: "Government" دولت سیاست های عمومی را ترسیم می کند، تصمیم می گیرد و آنها را اجرا می کند و تعاریف بسیاری از سیاست های عمومی در این منظر تدوین شده است. "توماس دای" *dy Thomas* این یک برآورد دولت یا انتخاب عمل یا عدم اقدام است، همانطور که هست: روشن شدن ایده های دولت و فرایندی برای کنترل تعارض بین جامعه و اعضای سازمان، و این فرایندی است که رفتار، بوروکراسی های سازمان، توزیع مزایا، جمع آوری مالیات و غیره را کنترل می کند. "کارل فریدریک" *Freidrick, G* سیاست عمومی یک برنامه اقدام پیشنهادی برای یک فرد، گروه یا دولت در یک محیط خاص برای روشن کردن فرصت های هدفمند و عوامل تعیین کننده ای است که برای رسیدن به یک هدف یا دستیابی به یک هدف مورد نظر باید بر آنها غلبه کرد. این بدان معناست که سیاست های عمومی خودکار نیستند، بلکه فرایندی هدفمند و آگاهانه هستند.

۵-۱- تأثیر بازیگران غیردولتی در سیاست گذاری دولت عراق

رابطه بین بازیگران غیردولتی و نظام سیاسی، رابطه مستقیمی است که توسط اثربخشی نظام سیاسی اداره می شود که از نظر اختیارات اعطایی، متغیرهای محیط منطقه ای و بین المللی در ساختار نظام سیاسی قرار می گیرد و مهم ترین عنصر ایدئولوژی تصمیم گیرنده است.

جامعه مدنی در عراق به ویژه پس از اشغال را می توان نقدینگی و نبود بازدارندگی قانونی و قانون اساسی توصیف کرد و بسیاری از نیروها برای ابراز عقیده ابراز نظر کرده اند که برخی از آنها خود را نهادهای جامعه مدنی می دانند و برخی با وجود ثبت خود، ویژگی دیگری مانند احزاب سیاسی دارند. بخش دیگر سازمان های اولیه است که هنوز در مورد نهادهای جامعه مدنی بودن یا نبودن آنها اختلاف نظر وجود دارد، از طریق نقشی که می توانند در حمایت از فرد و میانجیگری او با اقتدار ایفا کنند، یا از طریق نقشی که می توانند در تغییرات دموکراتیک ایفا کنند، و سازمان های مورد نظر ساختار سستی مانند قبیله هستند.

از ۹ آوریل ۲۰۰۳، دولت عراق با ایجاد مسیرهای سیاسی جدید شاهد مرحله ای از تفرقه بوده است که در آن صدای آزادی و دموکراسی بر دیگران مسلط شده است، چه در زمینه های دولتی و چه در جامعه. خواه یک موسسه خیریه، یک باشگاه ورزشی، یک انجمن فرهنگی، یک حزب سیاسی یا یک اتحادیه کارگری باشد، آنها اعضای خود را در هنرها و مهارت های لازم برای دموکراسی در جامعه بزرگتر آموزش می دهند. مفهوم مشارکت به طور کلی، که مکانیسم جامعه مدنی در فرایند سیاسی است، شامل کلیه مشارکتهای اعضای جامعه برای نظارت و هدایت کار دولت یا ارگانهای دولتی مدنی یا انجام وظایف مورد نیاز جامعه اعم از مستقیم یا غیرمستقیم است. مشارکت به سه نوع اصلی تقسیم می شود: مشارکت اجتماعی، مشارکت اقتصادی و مشارکت سیاسی. نقش این نهادها در روند توسعه به طور کلی بین مخالفانی که آنها را تهدیدی برای ثبات اجتماعی و فرهنگ محلی به عنوان الگوی غربی با فرهنگ غربی می دانند و حامیان که آنها را به عنوان شریکی یکپارچه می بینند که به آموزش جامعه کمک می کند و آن را قادر می سازد تا در بهبود زندگی شهروندان مشارکت و مشارکت داشته باشد، متفاوت است. برای شهروندان، و به عنوان بازیگران و فعال در روند تغییرات اجتماعی دیده می شود، مشارکت به معنای موارد زیر است:

۱- از اصل توسعه، به عنوان توسعه انسان برای انسان و توسط انسان ناشی می شود.

۲- توانمندسازی شهروندان به عنوان صاحبان حقوق و بازیگران در یافتن راه حل های فردی و جمعی برای مشکلاتی که با آن مواجه هستند و شرکای کامل در تصمیم گیری هایی که بر زندگی و زندگی جامعه آنها تأثیر می گذارد.

۳- مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل بین شرکا و درک نقش آنها است.

این مشارکت منجر به موارد زیر خواهد شد:

۱. سیاست های مؤثرتر و فراگیرتر که نیازها و اولویت های جامعه ملی و محلی را منعکس می کند.
۲. مشارکت موثر بین همه طرفین.
۳. برنامه ریزی، تطبیق و ارزیابی مشترک برنامه ها و سیاست ها.
۴. خدمات عمومی، عادلانه تر، کارآمدتر و کم هزینه.
۵. ارتقای سطح دموکراسی و یکپارچگی اجتماعی.
۶. حاکمیت و مدیریت سالم تر و موثرتر.

دوم: چارچوب های حقوقی و قانون اساسی که بازیگران غیردولتی در عراق بر آن استوار هستند

۱- چارچوب قانون اساسی:

قانون اساسی دائمی عراق در سال ۲۰۰۵ در اساسنامه خود حمایت از نهادهای غیردولتی، به ویژه در رابطه با آزادی تأسیس انجمن ها و احزاب سیاسی و تضمین عضویت در آنها، و در عین حال از روش وابستگی اجباری به هر یک از این سازمان ها یا وادار کردن آنها به ادامه عضویت در آنها جلوگیری می کند. همچنین تصریح می کند که "دولت مشتاق تقویت، حمایت، توسعه و ایفای مستقل نقش نهادهای جامعه مدنی در راستای راه های مسالمت آمیز برای دستیابی به اهداف مشروع خود است."

۲- چارچوب حقوقی:

ماده ۴۵ قانون اساسی دائمی عراق در سال ۲۰۰۵ مرجع در کار سازمان های غیردولتی است، تا صدور قانون شماره ۱۲ سال ۲۰۱۰ توسط مجلس نمایندگان برای تنظیم کار این سازمان ها در عراق که در شکل فعلی خود با وجود کاستی های آن در جنبه های مختلف، یک قانون متمدن است. اما می توان در اصلاحیه های آن بر اساس آن بنا کرد. دولت و شعب سازمان های خارجی. بر اساس این ماده، دولت مسئول ارائه همه اشکال حمایت و حمایت از کار سازمان هایی است که نماینده آگاهی از جامعه مدنی هستند، تشویق آنها و تسهیل فعالیت های آنها است و این تجمل در کار نیست و اهمیت جامعه مدنی در ایجاد دموکراسی و تشکیل یک دولت مدنی مدرن در عراق است

نخست، تقویت نقش سازمان های اجتماعی، حمایت و توسعه آنها و حفظ استقلال آنها مطابق با قانون.

دوم، ترویج آزادی شهروندان برای تأسیس و پیوستن به سازمان های غیردولتی. سوم، ایجاد یک سازوکار مرکزی برای تنظیم ثبت نام سازمان های غیردولتی عراقی و خارجی. وی اظهار داشت که روش ادغام قانونی تصریح می کند: اول، هر شخص حقیقی یا حقوقی عراقی حق دارد مطابق با مفاد این قانون یک سازمان غیردولتی را تأسیس کند، به آن تعلق داشته باشد یا از آن خارج شود. دوم، یک عضو مؤسس باید:

الف- تابعیت عراقی یا مقیم عراق. .

ب - ظرفیت کامل و سن ۱۸ سالگی را برای شخص حقیقی به پایان رسانده باشد. .

به جرم غیر سیاسی یا جنحه ای که شامل فساد اخلاقی می شود، محکوم نشده باشد.

سیستم اطلاعاتی انجمن تشریح شده است که تأکید می کند آیین نامه آیین دادرسی سازمان یا انجمن و سایرین باید شامل اطلاعات زیر باشد:

اول، نام رسمی سازمان به زبان عربی، کردی یا هر زبانی که توسط سازمان انتخاب می شود.

دوم، عنوان دفتر مرکزی سازمان.

سوم، بیانیه ای مفصل از اهداف سازمان و ابزارهای دستیابی به آنها.

چهارم، یک کپی از لوگو و مهر سازمان.

پنجم: شرایط عضویت، موارد انقضا و حقوق و وظایف عضو.

ششم: بیانیه ای از ساختار تشکیلاتی سازمان، سازوکار انتخاباتی و اختیارات هر یک از ارگان های آن.

هفتم: نهاد درون سازمانی را که اختیار اصلاح آیین نامه را دارد و تصمیم به

انحلال، ادغام یا تقسیم و انتقال وجوه در سازمان را دارد، تعیین کنید.

هشتم: تعیین نهاد درون سازمانی که شرکت های وابسته را منصوب می کند و دستمزد آنها را تعیین می کند.

نهم، منابع مالی سازمان و میزان کمک ماهانه یا سالانه، در صورت وجود.

در این قانون علاوه بر اهداف و مقاصد تشکیل سازمان ها یا نهادهای غیردولتی، به مواردی اشاره شده است که در هنگام تشکیل سازمان های جامعه مدنی باید از آنها اجتناب کرد که مهمترین آنها عبارتند از:

نخست، یک سازمان غیردولتی از اتخاذ اهداف و انجام فعالیت هایی که ناقض قانون اساسی و قوانین جاری عراق است منع شده است.

دوم، انجام کسب و کار به منظور توزیع وجوه بین اعضای آن برای منافع شخصی، یا بهره برداری از سازمان به منظور فرار مالیاتی. سوم، جمع آوری کمک های مالی برای حمایت از نامزدهای مناصب دولتی یا حمایت مالی از آنها.

چهارم، در آیین نامه خود اشاره ای به توزیع وجوه حاصل از کمک های بلاعوض و کمک به اعضای خود پس از انحلال سازمان دهنده داشته باشد . پنجم، نباید شامل اهدافی باشد که تروریسم را فرا می خواند یا به آن تحریک می کند، یا در قاچاق مواد مخدر و هر آنچه به آن مربوط می شود، و نباید شامل تهدید به خشونت یا نقض حقوق دیگران باشد. نابرابری در دسترسی به منابع به نوبه خود بر نقش این سازمان ها منعکس می شود، از آنجا که موضوع تأمین مالی مالی یکی از مهم ترین چالش های پیش روی ساختار و کار نهادها و سازمان های جامعه مدنی است، قانون تصریح می کند که منابع مالی سازمان شامل موارد زیر است:

I. اشتراک اعضا

دوم: کمک های مالی، کمک های بلاعوض، وصیت نامه ها و هدایای داخلی و خارجی.

سوم، درآمدهای حاصل از فعالیت ها و پروژه های سازمان.

چهارم: دارایی های مالی تخصیص یافته از بودجه دولت. با رعایت مقررات سایر قوانین، سازمان در صورت تخطی از مقررات این قانون مشمول مجازات های زیر می شود:

اول: تعلیق که با فیصله صادره از سوی وزارت مطابق به موارد زیر اعمال می شود:

(الف) هشدار به سازمان در مورد نیاز به حذف تخلف در مدت زمانی که بیش از ۱۰ (۱۰) روز از تاریخ اطلاع رسانی نباشد. .

b. تعلیق کار سازمان برای مدت بیش از ۳۰ (۳۰) روز در صورتی که تخلف در مدت مقرر برطرف نشود.

ج) سازمان می تواند ظرف ۱۰ (۱۰) روز پس از اطلاع از تصمیم تعلیق به دبیرکل شورای وزیران درخواست تجدید نظر کند.

د. دبیرکل شورای وزیران باید ظرف ۱۰ (۱۰) روز از تاریخ دریافت شکایت در دفتر خود تصمیم بگیرد و تصمیم او در ظرف ۱۰ (۱۰) روز از تاریخ اطلاع رسانی به سازمان یا در نظر گرفتن آن به عنوان مبلغ، در برابر داوران تجدید نظر در مقام تبعیض آمیز آن قابل تجدید نظر خواهد بود. بنا به درخواست اداره در یکی از موارد.

دوم: راه حل با رأی قضایی بر اساس موارد زیر صادر می شود: چنانچه به فعالیتهایی بپردازد که با اهداف مندرج در نظام داخلی خود مندرج در این قانون مغایرت داشته باشد.

اگر ثابت شود که قوانین جاری عراق را نقض کرده است.

«از طریق متون قانون اساسی، بسیاری از سازمان های تأسیس شده در خارج از کشور در راستای مرحله کنونی دوباره خود را سازماندهی کرده اند و فعالیت بسیاری از آنها علاوه بر کار سیاسی، بر کارهای مهم داوطلبانه و جمع آوری کمک های مالی در داخل و خارج از کشور متمرکز شده است. عراق به جای جایگزینی برای دولت، در حال گذار دموکراتیک است.» در مورد هدف اصلی این نهادها، آنها نقش نظارت بر عملکرد کلی سه مرجع (مجریه، مقننه و قضاییه) را ایفا می کنند و این نهادها غیردولتی نقش میانجی بین نظام سیاسی و جامعه را ایفا می کنند، زیرا این نقش منجر به ایجاد پایگاه گسترده تری از مشارکت در تأثیرگذاری بر برنامه ریزی و اجرای سیاست های عمومی می شود که دولت به دنبال اتخاذ آن است. یا توجه دولت را به آنها جلب کند، بدون اشاره به نقش این سازمان ها در فعال کردن حرکت سیاسی بین جامعه و حاکمیت. با این حال، شورای نمایندگان عراق با تهدید جدی برای قدرت خود مواجه است که در نتیجه در حضور نهاد های جامعه مدنی در فرآیند سیاست گذاری عمومی منعکس شده است.

از آنجا که قانون اساسی در بند (دوم) اصل ۶۰ به مجلس نمایندگان اجازه داده است تا از طریق ده نفر از اعضای خود یا یکی از کمیته های ذیصلاح خود «پیشنهادات قانونی» را ارائه دهد، «پیشنهاد» ایده ای باقی می ماند که باید به یکی از دو نهاد مذکور برای تهیه پیش نویس قانون راه یابد. بنابراین، دیوان عالی کشور با معرفی «لوايح» به قوه مجریه، عملاً حق قانونگذاری را محدود کرده است و مجلس نمایندگان دیگر نمی تواند قانونگذاری کند تا زمانی که قانون اساسی قدرت ارائه لوايح را ندهد، بلکه فقط می تواند «لوايح» را معرفی کند.

۶- شرط سوم

۶-۱- نقش بازیگران غیردولتی بین پیشگیری و توانمندسازی

اولین / نقش ها:

۱- نقش بازیگران غیردولتی در توسعه آگاهی دموکراتیک در میان

شهروندان:

در دسترس بودن عنصر دموکراسی در یک کشور به معنای دموکراسی بودن دولت نیست، کشورهای زیادی وجود دارند که در آنها کثرت گرایی و انتخابات

وجود دارد، اما شاهد خشونت و بی ثباتی سیاسی هستند و در نظام های دموکراتیک تأثیر فرهنگ سیاسی و تربیت سالم معتقد به دموکراسی و حقوق بشر برای ایجاد اعتماد بین حاکم و حاکم در یک فضای سیاسی دموکراتیک روشن است. او آن را زیر سوال می برد و آن را صرفاً ابزاری برای دستیابی به اهداف و مقاصد ایدئولوژیک به نفع رژیم و تقویت قدرت می داند. بنابراین وظایف زیر را دارد:

اول: آگاهی و آموزش در ایجاد تعدادی از بنیادهای مهم:

ایجاد نهادهایی که از طریق آنها شهروندان بتوانند به طور موثر و خشونت آمیز جایگزین های رهبران و سیاست های آنها را بیان کنند.
ب) اعمال محدودیت های قانون اساسی بر قوه مجریه.

دوم: تعیین اهداف برای تحکیم جامعه به سوی تحول دموکراتیک واقعی به منظور جلب اعتماد شهروندان و باقی ماندن به عنوان یک عنصر فعال در تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های سیاسی:

از این رو، نقش نهادهای غیردولتی به ویژه در واقعیت کنونی عراق، از اهمیت و اهمیت آن ها در انسجام جامعه و ایجاد تعلق ملی و احساس وحدت ملی بین ایفای نقش اعضای آن لازم برای حفظ بقا و یکپارچگی جامعه برخوردار است، مشروط بر اینکه در آموزش قوانین و قانونگذاری و تربیت دموکراتیک به طور مؤثر فعالیت کنند و در آشتی ملی شرکت کنند. حل تعارض، حتی در زمینه های ساده ای مانند وضعیت فردی و خانوادگی برای جلوگیری از آسیب های ناشی از فروپاشی خانواده.

اتخاذ برنامه های هدفمند و سازمان یافته با مشارکت رسانه های تخصصی برای ایجاد اعتماد و رد فرقه گرایی.

سازمان های جامعه مدنی باید برای انتخاب پرسنل شایسته از بین کارمندان خود تلاش کنند و ظرفیت های آنها را برای ایفای نقش حیاتی لازم ایجاد کنند.

سازمان های جامعه مدنی باید در فرایند ساخت و تربیت کارگران در نهادهای دولتی مشارکت داشته باشند تا ضرورت های مشارکت همگان در زندگی سیاسی را درک کنند، به گونه ای که منجر به ایجاد فرهنگ سیاسی آگاه از نیازها و نیازهای شهروندان شود.

د) اهمیت مشارکت جامعه مدنی در وزارتخانه های کشور، آموزش و پرورش و آموزش عالی در توسعه برنامه های آموزشی، آموزشی و آموزشی که به ایجاد یک تربیت دموکراتیک صحیح و درک قوانین و قوانین کمک می کند.

۲- نقش بازیگران غیردولتی در توسعه فرهنگ حقوقی:

بسیاری از اروپایی ها و آمریکایی های علاقه مند به تربیت دموکراتیک مناسب معتقدند که:

اینکه کشورهای دموکراتیک به اندازه کافی امکانات و مطابق با قواعد قانونی برای محاصره جرم و جنایت را توسعه داده اند و این یکی از موارد مهمی است که در تلقی برخی از جنایات به عنوان جرایم تروریستی که مستلزم جنگ با مرتکبین آنها است، بحث های گسترده ای را برانگیخته است و این همان چیزی است که پس از وقایع شهریور ۱۳۸۰ اتفاق افتاد و میزان درک عمومی از حق قانونی و مشروع پاسخ به چنین اقداماتی، یا در عوض اقدامات پرخاشگرانه ای که باعث کشتار جمعی می شوند و میزان درک آنها به عنوان جنایاتی که نیاز به پاسخ دارند، همین سطح برای سازمان های جامعه مدنی در میزان فرهنگ و درک سطح جرایم محلی مؤثر است و این امر مستلزم نقش در روند ساخت و ساز دموکراتیک به ویژه آگاهی در حوزه آگاهی و آموزش حقوقی است که بسیار مهم است و آموزش قوانین و قوانین چه برای شهروندان و چه برای کارگران نهادهای دولتی.

۳- نقش بازیگران غیردولتی در افزایش آگاهی از خطرات فساد:

دستگاه دولتی در دست گروه فساد خطرناک ترین پدیده فساد سیاسی است که در آن ذینفع می شود و به نظر می رسد هر چه صحبت از فساد و انتقاد بیشتر شود، فراوانی فساد و اعمال آن به اشکال مختلف افزایش می یابد و دولت، اپوزیسیون و جامعه بر وجود فساد و لزوم مبارزه با آن توافق می کنند. اما گام های جدی در این راستا پیدا نکنید.

اندازه فساد و پیامدهای آن، همه سازمان های جامعه مدنی را ملزم می کند تا مطالعاتی را در مورد علل و سازوکارهایی که به محاصره این پدیده کمک می کند (بازتولید فساد) و از بین بردن پیامدهای آن در گسترش به دلیل دشواری وظایف، سازمان های جامعه مدنی باید نقش تحقیقات و مطالعات را بر عهده بگیرند و همچنین دامنه دسترسی به گزارش های بزرگتر در این زمینه را گسترش دهند که به صورت دوره ای منتشر می کنند تا زمینه های مناسب فساد و اقدامات انجام شده برای مبارزه با آن روشن شود و اهمیت هماهنگی با سازمان های بین المللی و منطقه ای متخصص در این زمینه. دهه ها و پیش نویس قانون اساسی دائم همگی توسط هر نهاد مقننه منتخب، بلکه توسط شورای فرماندهی انقلاب صادر می شد و این قوانین اساسی فوق الذکر گاهی قوه مجریه را در شکاف بین قوه مقننه و مجریه قرار می داد.

۲. گستردگی اثرات سیاست های مخرب اشغال مانع از توانایی هر یک از نهادها، بخش ها یا نیروها برای مقابله با این آثار آیات به تنهایی می شود که مستلزم توسعه ای است که تلاش های بخش های دولتی و ابتکارات مردمی را برای دستیابی به یکپارچگی در چارچوب ارتقای وضعیت پیشرفت جامعه آشتی دهد. همه اینها و موارد دیگر با توجه به برداشت های زیر نیاز به تغییرات عمیق در محیط توانمند (ساختار و عملکرد) دارند:
۳. ایجاد یک تغییر کیفی و اساسی در مرجع شبکه های ایمنی و امنیت اجتماعی در عراق، با در نظر گرفتن نقش جدید دولت در یک محیط سیاسی، که در آن عناصر تمرکززدایی، دموکراسی و حق ابراز وجود فرهنگی، علاوه بر نقش مورد انتظار سازمان های جامعه مدنی، با هم تعامل دارند. به ویژه در زمینه های توانمندسازی و ادغام مفهوم جنسیت در زمینه های توسعه. ، این تغییر مستلزم رهایی از ایده کمک موقت یا دائمی و تأیید ایده ارائه مشارکت در زندگی جامعه است، زیرا این جوهر فرایند توسعه انسانی است.
۴. چشم انداز توانمندسازی باید از شناخت اثرات منفی اشغال و لزوم توجه جدی به موانع و چالش های داخلی پدیدار شود.
۵. اراده سیاسی و منابع برای تبدیل چشم اندازهای انکشافی توانمند کننده به اهداف روشن و مشخص.
۶. توانمندسازی باید به عنوان یک مفهوم و به عنوان فرآیندهایی بر مبنای حرفه ای و واقع بینانه، به دور از خودانگیختگی، بداهه پردازی، تعارضات، وابستگی های محدود و فشارهای تأمین کنندگان مالی مورد بررسی قرار گیرد.
۷. دستور کار توسعه باید با اولویت های جامعه عراق سازگار باشد و خود جامعه را در بخش های مختلف خود در تعیین آنها به ویژه بخش های خصوصی و خصوصی درگیر کند.
۸. وضوح چشم اندازهای توسعه و توانمندسازی نباید محدود به گروه های اداری باشد، که این امر باید سطوح بالا، میانی و پایین را نیز تحت تأثیر قرار دهد و فرآیند توانمندسازی را باید به عنوان یک فرآیند انباشته، پایدار و در هم تنیده و با زمینه های مختلف تلقی کرد و نه به عنوان یک فرآیند موقت، مجزا و مستقل.
۸. ضروری است که چشم اندازها و فرآیندهای توسعه و توانمندسازی منعکس کننده منافع، نگرانی ها و آرمان های اکثریت جامعه عراق باشد و مبتنی بر بینش کارشناسان، سیاستمداران و اهداکنندگان نباشد.
۹. چارچوب کلی قانونی شبکه های ایمنی و تامین اجتماعی را بررسی کنید.

سوم: موارد منع مصرف:

سازمان های جامعه مدنی در کشورهای توسعه یافته به مرجع پنجم تبدیل شده اند و برخی دیگر آنها را بشردوستانه و فرهنگی می دانند که آنها را به یک دولت سایه یا یک مقام اپوزیسیون تبدیل می کند، زیرا آنها وظایف خدماتی و تماس مستقیم با مردم را انجام می دهند و این به نوبه خود آنها را قادر می سازد تا رنج واقعی را که شهروندان متحمل می شوند ببینند که آنها را به حلقه ارتباطی بین دولت و مردم تبدیل می کند. که مستلزم آن است که بازیگران جامعه عراق، اعم از دولتی یا غیردولتی و حتی بین المللی، از این سازمان ها حمایت کنند تا بتوانند وظایف بشردوستانه خود را انجام دهند، زیرا دموکراسی با حمایت از ارکان آن از جمله سازمان های جامعه مدنی ترویج می شود.

سازمان های مردم نهاد در عراق با مشکلات و مشکلات زیادی مواجه هستند که فعالیت های اجتماعی، آموزشی و فرهنگی آنها را محدود می کند و شاید مهم ترین مشکلات و موانع آن به شرح زیر باشد:

۱. تحولات اجتماعی در نیمه دوم قرن بیستم منجر به شکل گیری دولت * در شهرهای عراق، به ویژه شهرهای بزرگ شد، و در اینجا یک مشکل واقعی جدید پدیدار می شود که اغلب نهادهای جامعه مدنی با آن مواجه است، که وضعیت عدم تعادل در سازوکارهای گذار از جامعه قبیله ای به جامعه دولت مدنی است. ۲. این متغیرها منجر به گسترش آشکار پدیده فروپاشی و فروپاشی اجتماعی شد که ناشی از تشدید عناصر اسکیزوفرنی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به دلیل توزیع ناعادلانه میوه های رشد بود که منجر به اشکال مختلفی از نابرابری ها شد:

الف) نابرابری آشکار در مناطق شهری، مناطق بالا و پایین در محله های مجلل و مردمی، که دنیاهای خاصی را از یکدیگر به جا گذاشته اند، که با بافت مشترکی که دیدگاه های مشترک یا کنش های اجتماعی مدنی یکپارچه می توانند از آن متبلور شوند، متحد نشده اند.

ب- اختلاف بین مناطق روستایی و شهری در سطوح درآمد و خدمات در اشکال مختلف آنها و در اینجا مشکل واقعی پیش روی تلاش های توسعه، کف شهر است، پس از آن که روستا از آن عقب مانده است.

اقتصادی و انسانی مشهود بوده است، جایی که در محدوده ای از پایین ترین تا بالاترین سطوح از یکدیگر فاصله می گیرند.

۳. بحران های سه دهه اخیر تغییراتی را در مفاهیم به وجود آورده است، به عنوان مثال، مصلحت به جای همبستگی، حقارت یا عدم فروتنی به جای مادی

گرایی و غرور خود، و روحیه دست کم گرفتن آگاهی انسان و حس ناامیدی، درماندگی و بی مسئولیتی گسترش یافته است و تحرک اجتماعی طبیعی دیگر آشنا نیست (Mobility Social) در هرم اجتماعی که عملیات (جابجایی و جایگزینی حل شد) (Replacement) جایگزین درجه بندی و انتقال طبیعی اعضای جامعه به بالا و پایین.

۴. جوهر مخمسه ای که جامعه عراق تجربه کرده است این است که نرخ فقر و بیکاری و همچنین تفاوت بین درآمدها به سرعت بدتر شده و طبقه متوسط فرسایش یافته است و بسیاری از گروه ها احساس آزار و اذیت کرده اند و به دنبال دایره مراقبت و توجه هستند و بدون هیچ دلیلی به حاشیه جاده پرتاب شده اند. که قرارداد اجتماعی بین آنها و دولت را شکست، یا طرف مقابل را در پیشروی دولت تثبیت کرد، یا انواع پیشرفته ای از حمله به اموال دولتی و املاک و مستغلات را اختراع کرد.

۵. یکی از جدی ترین و مهم ترین موانع پیش روی سازمان های جامعه مدنی در عراق، تهدیدات امنیتی است که اعضای سازمان ها در سال های اخیر با آن مواجه هستند، زیرا فتوای تکفیری به محدود کردن فعالیت های آنها کمک کرده است، به ویژه در مناطقی که ایده های تروریستی ضد دموکراتیک وجود دارد و تصویر سازمان های مدنی و بشردوستانه را مخدوش می کند تا آنها را از ایفای نقش خود در جامعه دور نگه دارد. از این رو نقش رسانه ها و سایر ارکان جامعه در اصلاح این تصویر و آموزش جامعه در مورد اهمیت نقش این سازمان ها در کمک به جامعه و گسترش فرهنگ، ارزش ها و اخلاق علاوه بر ارزش های دموکراتیک و انسانی، فضیلت هایی است.

نتیجه

مهم ترین نتایجی که در این پژوهش به دست آوردیم این است که بازیگران غیردولتی می توانند ورودی باشند که محققان در مطالعه موضوعات مختلف مرتبط با حوزه علوم سیاسی به دلیل عامل تخصصی بودن این سازمان ها و همپوشانی مسائل بین المللی و ملی که در حیطه منافع آنها قرار می گیرد، به آن تکیه می کنند. و این مطالعه استفاده از ورود اشخاص ثالث به روند تحول دموکراتیک در عراق را نشان می دهد که به شناسایی یکی از دلایل توسعه بازیگران سیاسی در روند دموکراتیک کمک می کند که هم در نظام سیاسی و هم در جامعه نمایندگی می شود. مدنی می خواهم بگویم که بازیگران غیردولتی پس از سال ۲۰۰۳ از سیاست دولتی و گذار دموکراتیک حمایت کردند. چنین مطالعاتی ابهام در مورد فرایندهای گذار دموکراتیک از یک سو و نقش بازیگران غیردولتی از سوی دیگر و رابطه بین این دو قطب را از بین می برد.

منابع

- . همی خلیفه الف هداوی. السیاسة العامة: منظور کلی فی البنية والتحلیل. عمان - دار المسیره، ۲۰۰۱، ص ۲
- ف همی خلیفه الف هداوی، المرجع السابق، ص ۲۸.
- . المرجع السابق نفسه، ص ۳۲.
- جیمس آندرسون، صنع السياسات العامة، عامر الكبیسی مترجما، دار المسیره للنشر والتوزیع والطباعة، ص ۱۳.^۱
- ف همی خلیفه الف هداوی، مرجع سابق، ص ۳۳.
- . المرجع نفسه، ص ۳۴.
- ف همی خلیفه الف هداوی، المرجع السابق، ص ۳۱.
- عامر الكبیسی، صنع السياسات العامة، دار المسیره للنشر والتوزیع والطباعة، - ۱۹۹۹، ص ۱۹.
- ف همی خلیفه الف هداوی، المرجع السابق، ص ۵۹.
- المرجع نفسه، ص ۱۶.
- تامر کامل، محمد الخزرجی، النظم السیاسیة الحدیثة والسیاسات العامة، دار - مجدلای، ۲۰۰۴، ص ۳۱.
- سداد مولود سبع، علاقة المجتمع المدني بالنظام السیاسی التأثير والتأثر، دراسة حالة مصر والاردن، اطروحة دكتوراه، كلية العلوم السیاسیة، جامعة النهريين، ۲۰۰۸، ص ۴۲.

ياسين البكرى ، في المجتمع المدني والديمقراطية في العراق ، سلسلة في الثقافة الديمقراطية ، دار الكتب والوثائق، بغداد ، ٢٠١١، ص ٥٨.

ساره ابراهيم حسين ، مؤسسات المجتمع المدني والسياسة العامة : العراق

- نموذجاً ، رساله ماجستير ، ٢٠١٢ .

- المادة (٤٥) الفقرة (اولا) من الدستور العراقي الدائم لعام ٢٠٠٥.

- قانون منظمات المجتمع المدني العراقية.

- www.alrafidayn.com

- المادة (٢) من قانون منظمات المجتمع المدني العراقية ، مصدر سبق ذكره.

- المادة (٤) من قانون منظمات المجتمع المدني ، سبق ذكره.

- المادة (٦) المصدر السابق.

- المادة (٢٣) المصدر نفسه .

- . سليم صالح حافظ ، واقع منظمات المجتمع المدني وسبل تفعيل الديمقراطية

في العراق www.albawwaba.net

- عبد الحسين شعبان ، الدستور ، والمجتمع المدني : رؤية مستقبلية ، اوراق

عراقية ، العدد (١) بغداد مركز الفجر ، ٢٠٠٥، ص ٣٦.

- عدنان ياسين مصطفى، المجتمع المدني المعاصر في العراق (اشكالية بنيوية

و خيارات تحكيمية) مجلة نداء الحرية ، العدد (٧) تشرين الاول ٢٠٠٨ ، جامعه

بغداد ، ص ٣٠.

- ثناء فؤاد عبدالله ، أليات التغيير الديمقراطي ، مركز دراسات الوحدة العربية

، ١٩٩٧، ص ٢٩٩.

- www.alanoor.se/article.asp

- www.iraqcp.org/rost/2004,p2

- www.ahewar.org/debat/show.arb.asp